این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

حوادث روزگاران همچون کتابی برای حیات معقول

علامه محمدتقی جعفری(ره):
حوادث روزگاران برای انسان‌های هشیار، اوراق کتابی است که برای «حیات معقول» آنان نوشته شده است. چه پر معناست این کتاب برای کسانی که قصد خواندن آن را داشته باشند.
واقعاً وضع ما آدمیزادگان شگفت‌آور است! اگر درصدد آموزش برآییم، از حرکت هدفدار مورچه‌ای که پوست جوی را به دهان گرفته و روانه لانه محقرش است تا در زمستان قوت و توشه زندگی خود را زیر سر داشته باشد، درس‌هایی برای گردیدن فرا می‌گیریم که حتی ممکن است صدها نسخه کتاب نتواند از عهده تعلیم یکی از آن دروس برآید!
و اگر بخواهیم به واقعیات و حقایق بی‌اعتنایی کنیم، چنان از آنها می‌توانیم چشم بپوشیم و بگذریم که گویی زندگی ما در خلأ محض سپری می‌شود، یا اصلاً چشم نداریم تا چیزی را ببینیم یا در دیدگاه ما چیزی برای دیدن وجود ندارد. ما یا عقل و خرد نداریم یا ماده و قضیه‌ای برای تعقل و اعمال خرد وجود ندارد. در آن هنگام که رویدادهای آموزنده که تبلورگاه اصول و قوانین پایدار است، نتواند ما را برای آموزش به خود جلب کند، اگر سراغ عامل اصلی این بی‌خیالی و چشم‌پوشی را بگیریم، خواهیم دید این عامل چیز دیگری جز ناهشیاری و غفلت از حیات و اصول آن نیست.
منبع: کانال تلگرامی «علامه جعفری» به استناد کتاب ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، ج ۶، ص ۱۹۳

اولین سروده رهبر انقلاب چه بود؟

محمدحسن پیریائی با استناد کتاب «شرح اسم» که زندگینامه رهبر انقلاب است، نوشت: علاقه رهبر انقلاب به شعر و ادب وی را در محافل معتبر ادبی مشهد به چهره‌ای ادبی بدل کرد که گاهی خود می‌سرود و گاهی اشعار شاعران دیگر ملل مانند جبران خلیل جبران را ترجمه می‌کرد. اولین سرایش ایشان این بیت بود: «دلم قرار نمی‌گیرد از فغان بی تو/ سپندوار ز کف داده‌ام عنان بی‌تو»

اینجا هلند نیست

بهنام صمدی با انتشار تصویر فوق نوشت: اینجا هلند نیست اینها هم گل لاله نیستند! بلکه سیب درختی و دسترنج باغداران ارومیه‌ای هستند که این طوری روی زمین دپو شدند.
عکس: علی غیور

جنگ، جنگ اراده‌هاست

علی بیطرفان در توئیتی نوشت: اگر تمام فرماندهان نظامی دنیا بنشینند و فکر کنند نمی‌توانند چنین کلید واژه‌ای تولید کنند. جنگ اراده‌ها، کارشناس مسائل نظامی می‌گفت مشابه برخوردی که امروز میان ایران و امریکا رخ داد چندی پیش میان چین و امریکا رخ داد ولی امریکا به تهدید چین توجه نکرد چون می‌دانست چین (اراده) زدن ندارد.

تصویر منتخب

معرفی زبان بدن دلاور خلیج فارس مقابل ناوگروه دریایی متجاوز امریکا

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به دلاورمردی سپاه پاسداران در آب‌های خلیج همیشه فارس

نان پدر و شیر مادر حلالتان!

خبر برخورد نیروی دریایی سپاه پاسداران با ناو جنگی امریکا در آب‌های نیلگون خلیج فارس با استقبال بی‌نظیر کاربران شبکه‌های اجتماعی مواجه شد. این درگیری به‌دنبال رفتار غیرحرفه‌ای ناو جنگی امریکا در آب‌های دریای عمان رخ داد و واکنش قایق‌های تندرو سپاه پاسداران باعث شد ناو امریکایی صحنه را ترک کند. کاربران با سلایق مختلف سیاسی و اجتماعی، از این واقعه احساس غرور کرده و از دلاور مردان ایرانی بابت این احساس غرور ملی تشکر کردند. برخی کاربران نیز در تحلیل ماجرا توئیت‌هایی نگاشتند. آنها معتقدند این مسئله در آستانه توافقات هسته‌ای قابل تحلیل است. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران آمده است.

■ **علی رنجبر:**
شهید آوینی: «بگذار امریکا با مانورهای ستاره دریایی و جنگ ستاره‌ها خوش باشد. دریا، دل مطمئن این بچه‌هاست و ستاره‌ها، نور از ایمان این بچه مسجدی‌ها می‌گیرند. همانها که در جواب تو می‌گویند: «ما خط را نشکستیم، خدا شکست.» و همه اسرار الهی در همین کلام نهفته است.»

■ **رضا پورحسین:**
در آستانه ۱۳آبان، حماقت امریکا در دریا و سیلی محکم سپاه به او، روحیه ضداستکباری ملت ایران را افزایش داد.

■ **عبدالله گنجی:**
توی فیلم‌های دفاع مقدس این دیالوگ یادتون هست؟ «حاجی می‌دونی یک گردان برود خط یک گروهان برگردد یعنی چه؟» حالا خیلی متحول شدیم باید فیلم بسازیم و این دیالوگ را برجسته کنیم: حاجی می‌دونی با قایق بروی و با یک کشتی پر نفت برگردی یعنی چه؟ #ایران_قوی

■ **علی طهرانی مقدم:**
خطاب به برخی به اصطلاح همسایگان کوچولو و کوتوله عرب مرتجع خودمون: ما زیر گوش کسی زدیم که شما همه‌تونم جمع بشین نمی‌تونین زنگ در خونش رو بزنین و در برین.

■ **سیدمهرداد سیدمهدی:**
نان پدر و شیر مادر حلالتان. #افول_امریکا

■ **محمدحسین آزادی:**
در عظمت انقلاب اسلامی همین بس که روحیه مقاومت و مقابله با استکبار را در جوانان ایرانی به وجود آورد. ایران دیگر آن کشور مطیع و منفعل پیش از انقلاب نیست. چه کشورهایی که امروز در حسرت حتی یک نطق در مخالفت با امریکا هستند.

■ **محمدمهدی غلام‌پور:**
یه زمانی اراده میکردن و خدمه کشتی ایران اَجر رو با خودشون میبردن و کشتی رو هم منفجر میکردن! یه زمانی به سکوهای نفتی ما تو خاک خودمون ۵ دقیقه وقت میدادن برای تخلیه و بعد هم گلوله باران میکردن! برام مهم نیست اصل داستان امروز چی بوده اما برای من خوار شدن امریکا تو خلیج فارس لذت‌بخشه.

■ **رضا زمانی:**
امریکا از یک ابرقدرت شکست‌ناپذیر (پوشالی) به یک سگ ولگرد تبدیل شده تا بلکه با دوره گردی و راهزنی تکه استخوانی را به چنگ آورد، اما در مملکت چوغرش شیران گذشت و رفت/ این عوعوسگان شما نیز بگذرد

■ **علی بابایی:**
اقدام مقتدرانه سپاه نشان داد تروریست‌های امریکایی در صورت حضور در منطقه نیز به اندازه حفظ یک نفتکش کارایی ندارند. امریکا بیش از این برای خود خرج نتراشد و تا بیشتر تحقیر نشده منطقه را ترک کند.

■ **سیدعبدالله متولیان:**
در مدخل مذاکرات وین: ۱- امریکا و اروپا برای ترساندن ایران و امتیازگیری، عملیات روانی، تحریم‌های جدید، هک سامانه سوخت و... را آغاز کردند. ۲- اما ایران در اقدامی هوشمندانه در درگیری با سه ناو امریکایی و شکست دزدان دریایی با اقتدار وارد میدان مذاکرات خواهد شد.

■ **رها عبداللهی:**
تروریست‌های امریکایی می‌خواستند با دزدی دریایی، قبل از آغاز مذاکرات، در میدان برای جنتلمن‌هایشان در میز مذاکره برگ برنده بخرند! قابل توجه زبان دنیا بلدهایی که دوگانه دیپلماسی _ میدان می‌ساختند. #دزدان_دریایی _امریکایی

■ **ب. بهنام:**
شهروندی کشوری که پس از ۴۰ سال تحریم، هشت سال جنگ و سال‌ها فعالیت موریانه‌های داخلی، دست خالی و بدون کمک دیگران روی پایش می‌ایستد و به‌جایی می‌رسد که مقابل ابرقدرت دزد دنیا قد علم کرده، پهپادش را سرنگون می‌کند، پایگاهش را با موشک می‌کوبد و حق خود را در دریا پس می‌گیرد واقعاً غرورآمیز است.

خویشاوندی و چالش شایسته‌سالاری

محمدرضا اخضریان، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، در کانال تلگرامی خود نوشت: سال‌هاست گزینش مدیران از میان خویشاوندان با یک تناقض رفتاری از سوی جامعه مواجه است. از یکسو آن را به‌عنوان یک روال رایج تلقی می‌کند و از سوی دیگر از آن انزجار داشته و با نفرت برخورد می‌کند. انتصاب پسر و برادر و خواهر تا خویشاوندان رده‌های بعد همچون داماد، پسرخاله و... به‌قدری رایج است که نه می‌توان تنها یک تصادف تلقی نمود و نه انباشت تمام ژن‌های مدیریتی در برخی خانواده‌ها. اولی با عقل سازگار نیست و دومی با علم و هردو با عدالت و اخلاق.
اما انصاف این است که همه خویشاوندان را در یک گروه ندانیم. من و بسیاری از شما دست‌کم سه گروه خویشاوند می‌شناسیم: نخست آنان که با کمترین دانش و تخصص مدیر شده‌اند؛ دوم آنان که با دانش و تخصص مدیر شده‌اند. سوم آنان که با وجود دانش و تخصص مدیر نشده‌اند. یکی دانستن هر سه گروه ظلم و بی‌اخلاقی است. بیشترمان علاوه بر افراد ناتوان که با خویشاوندی به مدیریت رسیده‌اند افراد توانمندی می‌شناسیم که هیچ پستی را نپذیرفته یا از سوی بستگان صاحب قدرت و اخلاق خود منع شده‌اند.
اینها با وجود دانش و تخصص در گوشه‌ای به کار علمی یا شخصی پرداخته و وارد چالش با سرمایه اجتماعی نظام نشده‌اند.
گروهی از این دسته البته زرنگ‌تر بوده و به‌جای ورود در چالش افکار عمومی و حضور در یک منصب دولتی، راه اقتصاد بخش خصوصی را برگزیده و از این ورطه رها شده‌اند و تا زمانی که چالشی سیاسی گریبانگیرشان نشود به تجارت و کسب ثروت مشغولند.
پرسش اینجاست که نسبت میان خویشاوندی، شایسته‌سالاری و عدالت چیست؟
تکلیف به کار گرفتن فرد ناتوان که روشن است اما به کار نگرفتن یک فرد توانمند چه حکمی دارد؟ آیا هدر دادن سرمایه دانش، توان و تخصص یک فرد توانمند با عدالت و شایسته‌سالاری سازگار است؟ صدور این حکم کلی که به سبب مصلحت، باید از دادن مناصب به خویشاوندان حتی توانمند پرهیز کرد هم نه با شایسته‌سالاری سازگار است نه با عدالت.
ساز و کار رایج برخی مدیران در سال‌های گذشته، دور زدن این چالش و به کارگیری ضربدری خویشان بوده است بدین صورت که مقام «الف» خویشان فرد «ب» را مدیر می‌کند و مقام «ب» خویشان مقام «ج» و مقام «ج» خویشان مقام «الف» و...
این تجربه‌ای است که سال‌ها پیش چشم همه است و تنها هر از چندگاهی با تغییر قبیله‌های سیاسی اسامی این بستگان در فضای مجازی افشا شده و دوباره با قبیله تازه‌ای از سر گرفته می‌شود.
پاسخ پرسش بالا را باید در سازوکارهای شایسته‌سالاری جست‌وجو کرد.
یکی از لوازم شایسته گزینی برای مدیریت‌های گوناگون، تدوین و اعمال و نظارت بر شرایط احراز مناصب در همه سطوح و ارجاع جدی تخلفات به مراجع قضایی است. فرآیندی که ضرورتاً باید هوشمند و در قالب سامانه شفاف مدیریتی و بدون اعمال شرایط به‌صورت دستی صورت پذیرد و نقش کمیته‌ها و کارگروه‌های انتصاب را به کمترین حد ممکن برساند.
سازمان امور اداری و استخدامی کشور وظیفه دارد برای عدالت و اخلاق و اعمال حق مردم، «نظام احراز مناصب» را ساماندهی و نهادینه سازد و پراکندگی را در اجرا و نواقص آشکار موجود در برخی سازمان‌هایی که دارای چنین ضوابطی هم هستند، مرتفع نماید تا مردم به این باور برسند که اگر خویشاوندی، مدیر شد، توانمندی، تخصص و تجربه لازم را داشته است. این فرآیند، گامی مؤثر در ترمیم سرمایه اجتماعی نظام و حکمرانی شایسته است.

به امید ریشه‌کن شدن خودتحقیری

کاربری با نام «حاج علیسا» در توئیتی نوشت: در ادامه پیشرفت‌های فناورانه سال‌های اخیر حوزه حمل و نقل، از نخستین اتوبوس برقی رونمایی شد و حالا قرار است ۲۰۰ دستگاه از این اتوبوس‌ها به تولید انبوه برسند! این اتوبوس‌های برقی ساخت ایران هستند! به امید ریشه کن شدن ویروس خودتحقیری!

نقش منفی آموزش مجازی در عدالت آموزشی

موسی بیات توئیت کرد: در سال تحصیلی گذشته که آموزش مجازی بود، ۹۸۰هزار کودک بازمانده از تحصیل داشتیم. شوربختانه ۷۸هزار کودک کلاس اولی از تحصیل بازماندند. نتیجه اینکه آموزش مجازی صرف بدون توجه به توزیع عادلانه زیرساخت‌ها نمی‌تواند به عدالت آموزشی کمک کند بلکه به نابرابری آموزشی می‌انجامد. #عدالت_آموزشی

تخت جمشید را به یاد می‌آورد

صفحه توئیتری فلات ایران با انتشار تصویر فوق نوشت: قالی پازیریک قدیمی‌ترین فرش جهان است که توسط سرگی رودنکو در دره پازیریک واقع در رشته کوه‌های آلتای روسیه در گور یخ‌زده یکی از فرمانروایان سکایی کشف شد. باستان‌شناسان گمان می‌برند که این فرش از نظر محدوده ساخت، به احتمال قوی متعلق به ارمنستان کنونی یا بخش‌های شمالی ایران است. سرگی رودنکو کاشف این قالیچه، پس از بررسی ساختار فرش و نگاره‌های آن متوجه شباهت زیاد نقش‌مایه‌های این فرش با نقش برجسته‌های تخت جمشید شد «تخت جمشید را به یاد می‌آورد.» بیشتر پژوهشگران این قالی را متعلق به پارت‌ها یا مادها می‌دانند.

چه دانید، چه دانید که ما در چه شکاریم؟

صدیق قطبی در کانال تلگرامی خود نوشت: «شما مست نگشتید، وزان باده نخوردید/ چه دانید، چه دانید که ما در چه شکاریم؟» مولانا.
مولانا با این سخن آب پاکی را بر دست ما می‌ریزد. بر دست ما و دست همه محققان ارجمندی که سال‌های عمر خود را صَرف بحث و فحص در خصوص او کرده‌اند. کسی حلوایی می‌خورد. ذوق خود را با صداهایی، با حرف‌هایی ابراز می‌کند: به‌به! اما سال‌ها هم در «به به!» او درنگ کنیم و کند و کاو، سر آخر نمی‌فهمیم بر او چه گذشته است. هیچ چیز مثل عشق در نگاه مولانا کانونی نیست. با این حال، به ما می‌گفت تا مثل من نشوی، نمی‌فهمی!
پرسید یکی که عاشقی چیست؟/ گفتم که مپرس ازین مَعانی
آن گَه که چو من شوی، ببینی/ آن گَه که بخوانَدَت، بخوانی
سر کار گذاشته ما را؟ نه، نوع و سرشت تجربه او چنین است. می‌گفت چنان کانون لطفی در نهاد جهان است که «از این می‌همگان را بچشاند بچشاند بچشاند بچشاند». ولی این نکته خوشبخت را چگونه می‌شود سنجید؟ به آزمون بُرد؟ واقعیت آفاقی که چنین نیست. یعنی راه، هم‌تجربه شدن با اوست؟ تا از آن رهگذر جهان را چنان ببینیم که او می‌دید؟
حالا اگر اصل حرفِ مولانا جز از طریق هم‌وجد شدن با او حاصل نمی‌شود، پس این‌همه حرف چرا زده است؟ برای اینکه ما را ترغیب کند به طی یک مسیر، به افروختن آتش طلب. و نه اندوختن دانشی تازه. گویا چنین است:
چون جانِ تو شد در هوا، زَافْسانه شیرین ما / فانی شو و چون عاشقان افسانه شو، افسانه شو
می‌گوید حالا که با شنیدن افسانه‌ی شیرین من، چنین جان تو پر گرفته، بیا و هم‌ذوق ما شو. تا مثل من افسانه باشی. افسانه‌ای شیرین.

فیلسوفی که فارسی‌نویسی را در حوزه بسط داد

کانال «تاریخ حوزه طهران» در پیام‌رسان ایتا نوشت: فیلسوف عالیقدر آیت‌الله مهدی حائری یزدی متوفای ۲۴ ربیع‌الاول (۱۳۷۸) علاوه بر استفاده از محضر میرزا مهدی آشتیانی در مدرسه سپهسالار قدیم، به خاطر خصوصیت جامعیت معقول و منقول، مدت‌ها تولیت این مدرسه را هم برعهده داشت.
آیت‌الله سیدمصطفی داماد درباره وی می‌فرماید: دومین قلم فارسی ایشان مقالاتی است که علیه رضاخان نوشته بود. گویا رضاخان در جایی علیه قرآن کنایه‌ای زده بود. ایشان خیلی ناراحت شده بود و تحریک شد تا مجموعه مقالاتی در روزنامه استوار آن زمان بنویسد. ما این مقالات را نداشتیم. بعدها، اسناد انقلاب اسلامی به من داد. بعد از انقلاب ما توانستیم یک نسخه از آن پیدا کنیم. سلسله مقالات بسیار زیبایی بود، بسیار خوش‌قلم و عالی در دفاع از حجاب و قرآن. شهربانی قم این اسناد را دسته کرد و همراه نامه‌ای با این مضمون که «مهدی حائری فرزند شیخ عبدالکریم اینها را نوشته، ما چه کنیم؟» برای آقای فروغی - که در آن زمان نخست‌وزیر بود- فرستاد. دستخط فروغی آنجا هست که «هیچ اقدامی نکنید و هیچ عکس‌العملی نشان ندهید». این سلسله مقالات به فارسی بود. او عاشق ایران و عاشق زبان فارسی بود. در آن زمان بنا نبود کسی فارسی بنویسد و در حوزه کسی نمی‌توانست فارسی بنویسد، آن هم به این روانی و زیبایی. کسی فقه فارسی نمی‌نوشت، فلسفه فارسی نبود. این علم کلی... واقعاً هنرمندانه و زیبا نوشته شده... بعد دیگر همه کتاب‌هایشان را فارسی می‌نوشتند و اصرار داشتند بر فارسی‌نویسی. هنر فارسی‌نویسی، علاقه به زبان فارسی و به وطن و عِرق ایرانیت از اولین خصوصیات و ویژگی‌های ایشان است.

در وضعیت همنشینی با زالوها

احسان بابایی در کانال تلگرامی خود نوشت: چقدر راحت از کنار این خبرها و گفته‌ها عبور می‌کنیم! چقدر راحت به همنشینی با زالوها رضایت می‌دهیم! جای مدعی‌العموم خالی!
عبدالرضا مصری وزیر اسبق تعاون، کار و رفاه اجتماعی و نایب‌رئیس دوم مجلس: «سازمان غذا و دارو به‌هیچ‌عنوان علاقه‌مند از بین بردن رانت نیست. با سند و مدرک می‌توانم اعلام کنم یکی از مدیران اسبق وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو، صاحب ۱۶ شرکت دارویی است و واردکننده دارو و هم‌زمان مدیرعامل یک شرکت دولتی است. این فرد هم‌زمان داروها را از طریق شرکت خصوصی خود وارد می‌کند. از این نمونه‌ها بسیار است.» و سؤال: اینها که مثل زالو به‌نظام چسبیده‌اند، مخالف نظام هستند یا موافق نظام؟ برای این زالوها، نظام هیچ مهم نیست. سود و پول برای اینها از همه‌چیز مهم‌تر است. زالوها هم تا اطلاع ثانوی طرفدار نظام هستند. نه از سر اعتقاد، بلکه به خاطر سود و پول. به خاطر اینکه دست نظام برای دفاع از خود بسته است، برای اینکه همین زالوها دست نظام را بسته‌اند! برای این که تماشاگر صحنه زیاد داریم. اگر کمی دورتر بایستیم و با فاصله نگاه کنیم، می‌بینیم که زالوها چطور از همان‌ها که خالصانه طرفدار نظام هستند سواری می‌گیرند. موقعیت عجیبی شده است. صف دوست و دشمن، صادق و منافق از هم جدا نیست؛ درهم‌تنیده است. معلوم است معیارها برای شناسایی زالوها و فاصله‌گذاری از آنها کافی و متناسب نیست. معلوم است زالوها با معیارهای لغزنده و مرسوم مشکلی ندارند.

آثار «آرامش دوستدار» برای چه کسانی جذاب است؟!

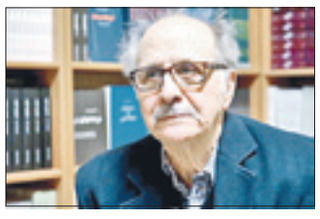

حسن انصاری در کانال تلگرامی خود نوشت: آنچه یکی دو سال پیش درباره آرامش دوستدار همین‌جا نوشتم را اینجا باز نشر می‌کنم. در یکی دو روز آینده به مناسبت مرگ او مطلبی درباره او خواهم نوشت. با اینکه چندین نوشته و کتاب از آرامش دوستدار تاکنون خوانده یا آنها را به شکل طولی تورق کرده‌ام اما هیچ‌وقت انگیزه‌ای برای نقد آنها نداشته‌ام. به این دلیل که تأثیر کتاب‌ها و افکار او را محدود و زودگذر می‌دانم. یک دلیلش آشنایی من با نسل جدید آشنایان و متخصصان فلسفه و تفکر غرب در ایران است. این نسل که در آنها متخصصان برجسته و زبان‌دان بسیار است به‌خوبی می‌توانند تاریخ تفکر در غرب را که از سوی دوستدار به‌عنوان تفکر اصیل در برابر دین خویی غیر متفکرانه ایرانی و اسلامی تبلیغ می‌شود مورد نقد و ارزیابی قرار دهند و داوری‌های دوستدار را به‌سادگی فاقد مبانی و آثار ماندگار بدانند. بنابراین بی‌جهت در برابر ادعاهای دوستدار دستپاچه نخواهند شد. الان نسلی داریم از فلسفه خوانده‌ها در ایران که بسیار بهتر از آرامش دوستدار فلسفه غرب را می‌شناسند و آثار برجسته‌ای ترجمه و تألیف می‌کنند. از دیگر سو آثار اسلام‌شناسان غربی که در اصل تفکر نقدی خود را وامدار سنت‌های تفکر در غربند امروزه بیش از هر وقت دیگری در ایران مورد خوانش و بررسی قرار می‌گیرند؛ سهل است خیلی از آنها در این رشته مساهماتی جدی دارند. این آثار را می‌خوانند؛ ترجمه می‌کنند؛ تحلیل می‌کنند و حتی خود بخشی از این سنتند. بنابراین به نیکی می‌دانند که تفکر و تمدن اسلامی تا چه اندازه مورد ستایش اسلام‌شناسان غربی است؛ آنان ارزش میراث عقلی و فکری و نوشتاری معتزله و فلاسفه اسلامی و اصولیان را به‌خوبی می‌دانند و بنابراین برای سخنان آرامش دوستدار که تخصصی در این زمینه‌ها ندارد طبعاً نمی‌توانند اهمیتی قائل باشند. بدین ترتیب آرامش دوستدار بیشتر برای خوانندگانی ممکن است آثارش جذاب به نظر برسد که دست‌کم در شمار این دو گروه دانشوران پیش گفته نیستند.